نویسنده: لز بلین
مترجم: عاطفه رضوان نیا

AK۴۷ مرگبارترین ماشین کشتار تاریخ بشر ۷۰ سال پیش در چنین هفته‌ای (۱۳ نوامبر) ساخته شد. هر سال از هر یک میلیون کشتار، ۲۵۰ هزار نفر در گوشه گوشه این جهان پهناور قربانی این نوع سلاح می‌شوند و به کام مرگ می‌روند. مخترع این سلاح، میخائیل کلاشنیکوف، یک مکانیک تانک با استعداد اهل روسیه بود. وی این سلاح را با هدف محافظت از سرزمین مادری خود، مقابل حمله سربازان آلمانی در جنگ جهانی دوم اختراع کرد، اما AK۴۷ بزودی به محبوبیتی جهانی دست یافت و طی جنگ سرد پرکاربردترین سلاحی بود که در «جنگ‌های نیابتی» مورد استفاده قرار گرفت. امروزه، آموزش ندیده‌ترین گروه‌های شبه نظامی، به محض در اختیار گرفتن سلاح AK۴۷، به نیروهای قدری تبدیل می‌شوند که باید آنها را به رسمیت شناخت. دلایل زیادی برای همه‌گیر بودن این سلاح وجود دارد، از جمله سهولت در استفاده، قابل اعتماد بودن، هزینه نسبتاً پایین و همین طور قدرت بالای کشتار. ما در این متن می خواهیم نگاهی به تاریخچه این سلاح و تسلط بی رحمانه آن در جهان سیاست بیندازیم. اگر ملاحظات اخلاقی را کنار بگذاریم، یک اختراع بزرگ، اختراعی است که بتواند همه‌گیر شود. چیزی که تحولی انقلابی و بزرگ ایجاد کند. چیزی که تأثیری شگرف و احتمالاً در ابعادی وسیع‌تر از آنچه هدف مخترعش بوده، برجای بگذارد. البته، یک اختراع بزرگ باید بتواند از پس اهدافی که برای آن در نظر گرفته شده نیز بربیاید. در این متن می خواهیم از اختراع یک سلاح صحبت کنیم. سلاحی که با هدف کشتار انسان‌ها و به دست آوردن پیروزی در جنگ‌ها اختراع شد. شاید موضوع جالبی به نظر نرسد و امیدوارم بتوانید جزئیات ترسناک این داستان را تحمل کنید، چون اگر از عهده تحمل این بخش از داستان بربیایید، به قسمت شگفت‌انگیز ماجرا نیز خواهیم رسید.

Alamy

مرگبارترین سلاح جهان ۷۰ ساله شد

«کلاشنیکف»؛ قاتل ارزان

در مورد میزان اثرگذاری اختراعی که می‌خواهیم از آن صحبت کنیم، باید بگویم این سلاح بیش از هرسلاح دیگری تاکنون در تاریخ زندگی بشر، جان انسان‌ها را گرفته است. طبق یک گزارش در سال ۲۰۰۹، از هر یک میلیون مرگی که سلاح در یک سال در بحران‌ها و کشتارهای سراسر جهان ثبت شده بود، ۲۵۰ هزار نفر در اثر اصابت گلوله این سلاح جان خود را از دست داده بودند. علاوه بر آن، این سلاح، تاریخ بشریت را در بسیاری از درگیری‌ها تغییر داد که فکر نمی‌کنم برای صحبت از همه آنها وقت به اندازه کافی وجود داشته باشد. این سلاحی است که شما می‌توانید در یک منطقه جنگی استفاده کنید و به طور ناگهانی شاهد تغییر نتیجه نبرد به نفع ارتشی باشید که هر چند از نظر تعداد در اقلیت است، اما برگ برنده‌شان در اختیار داشتن همین سلاح است. این همان سلاحی است که گروه‌های مختلف شبه نظامی از گروه‌های آزادیبخش گرفته تا گروه‌های تروریستی با توسل به آن توانسته‌اند سربازان آموزش‌دیده دشمن را که مجهز به پیشرفته‌ترین سیستم‌های جنگ‌افزار هستند، به دردسر بیندازند.

■ **جنگ جهانی دوم: تولد AK۴۷**

برای آنکه ببینیم واقعاً چه چیزی سلاح AK۴۷ را به یک اختراع شگفتی‌آور تبدیل کرده است، باید نگاهی به عقب‌تر بیندازیم، به دوران جنگ جهانی دوم و زمانی که هیتلر حمله ناگهانی خود به روسیه را آغاز کرد. دفاع روسیه از سرزمین مادری یک جنگ فرسایشی بود. هیتلر می‌دانست که نمی‌تواند میلیون‌ها نفر اسیر جنگی روس را که به موازات پیشروی سربازانش به درون خاک روسیه، بر تعدادشان افزوده می‌شد، لباس بپوشاند و خوراک‌شان را تأمین کند. بنابراین از همان آغاز جنگ، به آلمانی‌ها دستور واضحی داده شده بود تا دشمن را محاصره کنند و هر کسی را که در حلقه محاصره قرار می‌گیرد، نابود کنند.

در پایان جنگ جهانی دوم، جبهه شرقی با ثبت به ترتیب بیش از ۵ و ۱۰ میلیون کشته آلمانی و روس، لقب خونبارترین جبهه در تاریخ را به خود اختصاص داد. در روسیه جبهه‌های جنگی سنگربندی شده چندان معمول نبود، بلکه درگیری‌ها بیشتر در درون شهرها و به شکل زد و خوردهایی در مقیاس کوچک صورت می‌گیرد. هر فرد روس که می‌توانست تفنگ و سرنیزه به دست بگیرد، برای محافظت از قطعه زمین زیرپای خود تا آخرین فشنگ تفنگ خود مبارزه می‌کرد. می‌توان این حرکت روس‌ها را حرکتی شجاعانه و مثال‌زدنی توصیف کرد، اما این همه ماجرا نبود، بلکه بخشی از این حرکت‌های شجاعانه به این علت بود که استالین سربازانی را که از دستورات تمرد یا عقب‌نشینی می‌کردند، به درس عبرتی ترسناک برای دیگران تبدیل می‌کرد. بنابراین اغلب روس‌ها دو راه پیش رو داشتند: مردن در حال دفاع از خاک یا مردن از شرم و خجالت.

در این نبرد خونبار، مسلسل‌های سنگین، سلاح های نیمه خودکار سبک و تفنگ‌های کند اما با قابلیت بالای هدف‌گیری، روس‌ها را در مقابل سلاح‌های اس.تی.جی ۴۴ آلمانی که مدرن‌ترین سلاح‌های آن زمان و ترکیبی از تفنگ و مسلسل بودند، قرار داد.

میخاییل تیموفیویچ کلاشنیکف از نزدیک با این سلاح‌های مهاجم برخورد کرده بود. او که همزمان فرمانده و مکانیک تانک بود، مسئولیت هدایت یک تانک را در زمان ورود نیروهای نازی به شهر بریانسک در جنوب مسکو در ماه سپتامبر سال ۱۹۴۱ برعهده داشت. در آن جنگ بیش از ۸۰ هزار نفر کشته شدند و فقط یک پنجم شهر از تخریب نجات پیدا کرد. تانک کلاشنیکف مورد اصابت خمپاره قرار گرفت و او که از ناحیه یکی از شانه‌هایش بشدت زخمی شده بود، بعد از دو روز پیاده‌روی توانست خود را به یک بیمارستان خودی برساند. اما در تمام طول پیاده‌روی یک لحظه هم از فکر اینکه آلمان‌ها چه بلایی بر سر رفقای همرزم او خواهند آورد، غافل نشد. این تصورات با به خواب رفتن او روی تخت بیمارستان به کابوس تبدیل شد. بعد از آن او به شکل وسواس گونه‌ای به فکر ساختن سلاحی افتاد تا بتواند به کمکش سرزمین مادری‌اش را از هر گزندی حفظ کند.

این سلاح ویژگی‌های خاصی داشت. باید مانند سلاح اس.تی.۴۴ آلمان‌ها سبک و سریع می‌بود و به صورت خودکار شلیک می‌کرد. باید ارزان تمام می‌شد و ساخت آن با سهولت صورت می‌گرفت و برتر از همه اینها، باید به گونه‌ای ساخته می‌شد که در تمام شرایط سخت جنگی قابل اطمینان بود. باید سرباز می‌توانست به راحتی با آن شلیک کند و در حالی که دستکش به دست دارد، آن را تمیز کرده و نشانه‌گیری کند. این سلاح باید قادر می‌بود در هوای خشک، مرطوب و در گل یا ماسه کار کند. باید از جنس محکمی ساخته می‌شد، و این اطمینان وجود داشت که استفاده سلاح در زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم روسیه هیچ اختلالی در کار آن ایجاد نخواهد کرد. با همه این ایده‌ها بود که کلاشنیکف اولین طرح خود را روی تخت بیمارستان کشید.

او در سال ۱۹۴۷ بود که توانست طرح خود را تکمیل کرده و سلاح ساخت خود را به ارتش روسیه معرفی کند. نام این سلاح کلاشنیکف اتومات ۱۹۴۷ یا AK۴۷ تعیین شد. تولد این سلاح خیلی دیر و بعد از پایان جنگ جهانی دوم رخ داد، هر چند که روس‌ها با اتکا به عزم راسخ و ثبات خود توانسته بودند ارتش آلمان را شکست داده و هیتلر را از خاک خود بیرون کنند.

سال‌ها بعد از اتمام جنگ، روس‌ها تفنگ‌های AK۴۷ را در کیسه‌های مخصوصی حمل می‌کردند تا شکل و شمایل تفنگ از بیرون مشخص نباشد، زیرا آنها باور داشتند که این سلاح توان برهم زدن نتیجه جنگ را دارد.

■ **AK۴۷ بهترین هدیه روسیه به هم پیمانان خود**

طی ۲۵ سال بعدی و در تمام طول جنگ سرد، AK۴۷ رواج بیشتری پیدا کرد. همان‌طور که لری کاهاندر در مقاله جالب خود در روزنامه واشنگتن پست به آن اشاره می‌کند، امریکا و اتحاد جماهیر شوروی هر دو می‌دانستند که چنانچه در یک جبهه جنگ با هم رو در رو شوند، طبق استراتژی نظامی «تخریب دو جانبه مطمئن» ام.ای.دی امکان حمله اتمی از سوی هر دو طرف وجود خواهد داشت. بنابراین، دو ابرقدرت به جای آنکه به‌طور مستقیم با هم وارد نبرد شوند، شروع کردند به تجهیز نظامی دشمنان دشمن خود، آن هم به‌طور مخفیانه.

هدف دو طرف آن بود که با حمایت از دشمنان دشمن خود، جنبش‌های مخالف را در آرامش سرکوب کنند. روسیه مجوز رایگان تولید گسترده سلاح AK۴۷ را به کشورهایی مثل چین، آلمان شرقی و کره شمالی داد. دهه‌ها اختلاف و درگیری طی جنگ سرد، امریکا و اتحاد جماهیر شوروی را واداشته بود تا در «جنگ‌های نیابتی» در فواصلی دورتر از کشورهای خود به مبارزه با هم بپردازند. اما شرایط میدان‌های نبرد بسیار وحشتناک بود، سربازان آموزش‌های لازم و کافی را نمی‌دیدند و هیچ زیرساختی برای نگهداری از سلاح‌ها و تعمیر آنها وجود نداشت. درست از همین‌جا بود که AK۴۷ بهترین سلاح شناخته شد. منظورم این است، اگر شما یک سلاح AK۴۷ را در مقابل سلاح های امریکایی قرار دهید، سلاح AK۴۷ به روی کاغذ بازنده خواهد بود. تقریباً همه می‌دانند که این سلاح بنا به دلایلی مثل دوربین ضعیف و تولید در حجم گسترده، از دقت بالایی برخوردار نیست. اگر هنگام شلیک گلوله با این سلاح فیلمبرداری کرده و آن را با حرکت آهسته تماشا کنید، می‌بینید که بعد از هر شلیک تجهیزات تفنگ طوری به حالت خمیده در می‌آید که تصور می‌کنی هر لحظه ممکن است، قطعات آن از هم جدا شوند. این حالت فنری تفنگ باعث می‌شود وقتی آن را در حالت اتوماتیک کامل قرار می‌دهید، دقت آن کمتر هم بشود.

بنابراین، کاملاً درست است، اگر بخواهید با سلاح AK۴۷ نشانه‌گیری دقیق بکنید یا دشمنی را که صدها متر آن‌طرف‌تر از شما در حال دویدن است، نشانه بگیرید، متوجه می‌شوید که با یک شیء بی‌مصرف طرفید. اما، اگر در جنگل‌هایی مثل جنگل‌های ویتنام باشید اهمیت این سلاح مشخص می‌شود.

حالا که از ویتنام سخن به میان آمد، بگذارید یک واقعیت دیگر را نیز به یاد بیاوریم. سلاح AK۴۷ توسط یک مکانیک تانک برای استفاده در زمستان‌های طاقت فرسای روسیه که ناپلئون و هیتلر را به زانو درآورد، ساخته شده است. پس می‌توانید بابت اینکه اسلحه AK۴۷ در هر شرایط شلیک کند، مطمئن باشید.

قابل اطمینان بودن این سلاح بسیار شگفت آور است. در سراسر اینترنت می‌توانید ویدئوهایی را تماشا کنید که در آن این سلاح از درون ماسه، گل و آب عبور داده می‌شوند، یا ماشین‌های نظامی سنگین مثل (هام وی) از روی آنها رد می‌شود... اما AK۴۷ همچنان کار می‌کند. یک داستان معروف در این مورد وجود دارد. یک سرهنگ ارتش امریکا، به نام دیوید هک وورث، که در عین حال روزنامه نگار ارتش نیز بوده، به جسد یک سرباز روس برخورد می کند که بیش از یکسال از مرگش گذشته و بدنش درون گل و لای مانده بود. او تفنگ ای.کی-۴۷ سرباز را از درون گل بیرون می‌کشد و به سمت آسمان می‌گیرد و ۳۰ بار بدون آنکه ذره‌ای گرد و غبار از لوله تفنگ بیرون بیاید، شلیک می‌کند. یک اسلحه کلاشنیکف در حدود ۴۰ تا ۵۰ سال بخوبی کار می‌کند. البته اگر شرایط نگهداری آن مناسب نباشد یا در معرض آب و شن و ماسه قرار بگیرد، عمرش به ۲۰ سال کاهش پیدا می‌کند.

بنابراین، وقتی اسلحه امریکایی ام-۱۶ در جنگل‌های ویتنام با مشکل مواجه شد، سربازان امریکایی تلاش کردند از هر موقعیتی برای به‌دست آوردن سلاح‌های AK۴۷ ویتنامی‌ها استفاده کنند. و جالب آن است که ایالات متحده با تمام قدرت و سرمایه‌ای که در اختیار داشت، نتوانست اسلحه‌ای بخوبی، ارزانی و با سهولت استفاده AK۴۷ تولید کند و به شکل کنایه آمیزی متوسل به اسلحه‌ای شد که کمونیست‌ها تولید کرده بودند.

AK۴۷ به گونه‌ای طراحی شده که سربازان بتوانند بدون درآوردن دستکش‌های ضخیم زمستانی آن را تمیز و آماده استفاده کنند. هر فردی هر قدر آماتور می‌تواند بعد از چند ساعت آموزش، طرز استفاده از این سلاح را بیاموزد.

در سال ۱۹۷۹ با حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان برای حمایت از دولت وقت کمونیست، امریکا تصمیم گرفت گروه‌های شبه نظامی را با همان اسلحه‌های کلاشنیکف روسی در مقابل خالقین آن تجهیز کند. در طی ۱۰ سال حضور نیروهای شوروی در افغانستان، سیا میلیون‌ها دلار صرف حمایت از شورشیان مجاهدین افغانستان کرد، او هر نوع سلاحی از جمله کلاشنیکف‌های تولید چین و مصر را برای تجهیز مجاهدین در اختیار آنها قرار داد. شوروی که گمان می‌کرد با یک شورش موقتی و در ابعاد کوچک طرف خواهد بود، ناگهان با درگیری بزرگی مواجه شد که برنده شدن در آن برایش کاری سخت بود. مجاهدین افغانستان با توسل به همان سلاح‌هایی که سربازان امریکایی را در ویتنام از پای درآورد، شوروی را از پای درآوردند.

بعد از آن AK۴۷ به نماد قدرتمند مقاومت در سراسر دنیا تبدیل شد. در مجله‌ها تصاویری از شبه نظامیان در حالی که با اسلحه‌های کلاشنیکف در مقابل دوربین ژست گرفته بودند، چاپ می‌شد. کارخانه‌های تقلبی در آفریقا، آسیا و امریکای جنوبی و خاورمیانه شروع به تولید میلیون‌ها کلاشنیکف کردند. این سلاح بسرعت به یک ابزار سیاسی قدرتمند تبدیل شد و حتی راه خود را به روی پرچم حزب‌الله لبنان هم باز کرد.

با سقوط اتحاد جماهیر شوروی، سلاح های AK۴۷ به بازار سیاه و کانال‌های رسمی سرازیر شد. قیمت این اسلحه‌ها به قدری سقوط کرد که در حال حاضر یک اسلحه AK۴۷ را می‌توان ارزان‌تر از یک مرغ زنده در هر کجای دنیا خریداری کرد.

■ **کلاشنیکف همچنان سلاح پراستفاده در دنیا**

طبق گزارش بانک جهانی از ۵۰۰ میلیون اسلحه‌ای که در سراسر دنیا معامله می‌شود، یک پنجم، سلاح کلاشنیکف است. تولید این سلاح در کشورهای بلغارستان، چین، مصر، عراق، هند، ایران، نیجریه، کره شمالی، لهستان، صربستان و سودان صورت می‌گیرد. قبایل پاکستانی قطعات این سلاح را از هم بازکرده و با ایجاد تغییراتی در آن، یک کلاشنیکف با برند پاکستان تولید کرده‌اند. در حقیقت آنقدر نمونه‌های تقلبی در حال تولید است که روسیه تصمیم دارد، از قانون کپی رایت که قانونی سرمایه‌داری است برای حفظ سرمایه کمونیستی خود استفاده کند.

> ایالات متحده با تمام قدرت و سرمایه‌ای که در اختیار داشت، نتوانست سلاحی بخوبی، ارزانی و با سهولت استفاده AK۴۷ تولید کند و به شکل کنایه آمیزی متوسل به سلاحی شد که کمونیست‌ها تولید کرده بودند

نیم نگاه

توبه‌نامه میخاییل کلاشنیکف، قبل از مرگ

نویسنده: ولادیمیر ایزاچنکو
مترجم: مینا رضوانی

میخاییل کلاشنیکوف، طراح اسلحه تهاجمی AK۴۷، چندماه قبل از مرگش نامه‌ای به کلیسای ارتدوکس روسیه نوشته و با زبانی سرشار از پشیمانی پرسیده بود: «آیا من مقصر مرگ تمام آن افرادی هستم که با اسلحه کلاش کشته شده‌اند؟ درد بزرگی را بر روح خود احساس می‌کنم. این درد تحمل‌ناپذیر است. مدام از خودم می‌پرسم: اگر اسلحه تهاجمی من افرادی را از حق زندگی منع کرده است... این به این معنی است که من، میخاییل کلاشنیکوف، فرزند یک کشاورز مسیحی ارتدوکس، مسئول مرگ آنها هستم؟ هر چه بیشتر زندگی می‌کنم، این سؤال بیشتر به مغزم هجوم می‌آورد و این سؤال بیشتر به اعماق وجودم رخنه می‌کند که چرا خداوند قادر متعال به انسان‌ها اجازه داده تا احساسات شیطانی‌ای مثل حسادت، حرص و خشم را در خود پرورش دهند.» او ادامه می‌دهد: «همه چیز تغییر می‌کند، فقط انسان و افکار اوست که تغییر نکرده است: او همچنان حریص، شیطانی، قسی‌القلب و ناآرام است.»

النا، دختر کلاشنیکوف، به روزنامه ایزوستیا، گفته بود که یک کشیش به پدرش برای نوشتن این نامه دو صفحه‌ای کمک کرده است. کلاشنیکوف بارها در مصاحبه‌های خود اعلام کرده بود که اسلحه‌ای که ساخته است، فقط برای تضمین امنیت کشورش ساخته شده و او نباید برای رفتار و عملکرد مردم مورد بازخواست قرار بگیرد. او در سال ۲۰۰۷ به خبرگزاری آسوشیتد پرس گفته بود: «من خوب می‌خوابم. سیاستمداران هستند که باید به خاطر ناتوانی‌شان در رسیدن به توافق و توسل به خشونت مورد سرزنش قرار بگیرند.» کلیسای ارتدوکس روسیه نیز گفته‌های او را تأیید کرده بود. الکساندر وولکوف، سخنگوی اسقف کلیسای ارتدوکس روسیه، اقدام کلاشنیکوف را عملی میهن پرستانه توصیف کرده و گفته بود: «اگر سلاحی برای دفاع از خاک مادری ساخته می‌شود، کلیسا هم سازندگان و هم کسانی که با استفاده از این سلاح از خاک خود دفاع می‌کنند، را مورد حمایت قرار می‌دهد.» پوتین نیز در سال ۲۰۰۷ از کلاشنیکوف تقدیر کرد و اسلحه او را «نماد هوشمندی و خلاقیت مردم خود خواند.»

«کلاشنیکف»، رکورددار انسان کشی در میان سلاح ها

نویسنده: دیوید بلر
مترجم: نازی نشرودی

تاکنون هیچ تفنگی به اندازه‌ای که AK۴۷ در جهان قربانی گرفته است، قربانی نگرفته و هیچ تفنگی نیز به اندازه سلاح کلاشنیکف تبدیل به نماد نشده است. AK۴۷ سلاح محبوب گروه‌های چریکی، شورشیان و تروریست‌ها در سراسر جهان بوده است. گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۷ از وجود ۷۵ میلیون اسلحه کلاش در سراسر جهان خبر داد. به عبارت دیگر، ۲۰ درصد از انبارهای نگهداری اسلحه در سراسر جهان متعلق به اسلحه AK۴۷ بود. سلاح های کوچک هر سال جان ۲۰ تا ۱۰۰ هزار انسان در سراسر جهان را می‌گیرند و در این میان سهم AK۴۷ بسیار بالاست. می‌توان گفت این اسلحه مسئول اکثر مرگ‌هایی است که به خاطر اصابت گلوله رخ می‌دهند. موفقیت این سلاح — البته اگر بتوان نامش را موفقیت گذاشت— مدیون طراح آن، میخاییل کلاشنیکوف است. اختراع او به قدری قدرتمند و کارآمد است که همه جای دنیا از قطب گرفته تا صحرای آفریقا قابل استفاده است. آنقدر کار با آن ساده است که ناپخته‌ترین سربازها، یا کودک‌سربازها هم می‌توانند از آن برای کشتن انسان‌ها استفاده کنند. اسلحه کلاشنیکف فقط یک ایراد دارد و آن اینکه دقت بالای آن، قربانی قدرت و سهولت استفاده از آن شده است. به این معنی که مغز این اسلحه برای شکار حیوانات یا نشانه‌گیری ساخته نشده است. یا به عبارت بسیار ساده‌تر از این، این اسلحه فقط برای کشتن انسان‌ها طراحی شده است. اما بازار قاضی نهایی است و اینجا اعداد هستند که نشان می‌دهند چه محصولی پرکاربردتر است. ۷۰ سال از ساخت نخستین AK۴۷ می‌گذرد و این اسلحه همچنان ۲۰ درصد از بازار سلاح را در اختیار دارد. به‌عنوان یک خدمتگزار حزب کمونیست، کلاشنیکف که در سال ۲۰۱۳ درگذشت، هیچ پولی از راه ساخت این اسلحه به دست نیاورد. اگر او همانقدر که استاد ساخت اسلحه بود، به سرمایه‌داری نیز اعتقاد داشت، بی‌شک یک میلیاردر می‌شد.